

Marita G. Schmitz

تصادفی؟؟؟ آنها وجود دارند!!!



- همه چیز توسط کائنات - با همکاری شما
هماهنگ شده است.

تصادف؟؟؟

!!! آنها وجود ندارند

همه چیز توسط **الله** کیهان
با همکاری شما هماهنگ شده است

...البته

... در ابتدا، شما چیزی در مورد آن نمی‌دانید ...
... حتی به آن شک هم نمی‌کنید ...
... اما در نهایت، از خواب بیدار می‌شوید ...
... در نهایت، از آن آگاه می‌شوید ...
... در نهایت، یک احساس درونی ...

"شهود شما"

"روشنگری"

...بله

!!! هیچ یک از اینها تصادفی نیست ...

اگر به کتاب من برخورد‌اید، پس کیهان عزیز می‌خواهد آن را
- بخوانید -

!زیرا هیچ تصادفی وجود ندارد

I.

رد کردن،

چون من آنطور که خانواده‌ام می‌خواستند، به دنیا نیامدم
اصلاح وجودم

II.

مسئولیت به من واگذار شده است

از طرف پدر و مادرم برای خواهرم که دو سال از من بزرگتر
بود - با اینکه خودم هنوز بچه بودم

III.

گوسفند سیاه خانواده

IV.

برخوردهای من با اعداد خاص - مانند اعداد دوگانه
یا فرشته - حیوانات قدرتمند و سایر علائم
چی میخواستن بهم بگن؟
اعداد شانس و مورد علاقه
شماره خانه
حیوانات قدرتمند
پررها

V.

چگونه کائنات تضمین می‌کند که شما هر آنچه را که برای زندگی کردن مطابق با رسالت خود - برنامه زندگی‌تان - نیاز دارید، در اختیار دارید و می‌توانید انجام دهید.

تجربیات کسب شده

- قراردادهای استخدامی عمدتاً با مدت زمان مشخص

که در آن زمان مایه دردسر بود، اما امروزه مایه

انعطاف‌پذیری است.

- برخورد با خارجی‌ها

یا بهتر بگوییم، با فرزندان افراد با اصالت خارجی

تصادف؟؟؟

!!! آنها وجود ندارند

همه چیز توسط **ا** کیهان

با همکاری شما

(او شما خودتان بخشی از آن هستید - و نه بخش ناچیز)

... شما به سادگی آن را در بدو تولد فراموش کردید

!هیچ یک از اینها تصادفی نیست ...

--

فقط برای لحظه ای تصور کنید که هر آنچه تاکنون در زندگی خود تجربه کرده اید - هر آنچه که تا به حال برای شما اتفاق افتاده است - به هیچ وجه تصادفی نیست

!!!بله، برای تصادف ها - آنها به سادگی وجود ندارند

همه چیز از قبل برنامه ریزی شده بود، لحظه ای که برای اولین بار نور روز را دیدید

شما با درس های زندگی خود که از قبل همراه داشتید، وارد شدید، و به تصمیم گیری در مورد اینکه از کدام خانواده اصلی - یا در کنار کدام خانواده - آنها را حل خواهید کرد کمک کردید

دقیقاً به همین دلیل است که در این خانواده به دنیا آمدید

...البته

...در ابتدا، شما هیچ چیز از آن نمی‌دانید...

...حتی به آن شک هم نمی‌کنید...

...اما در نهایت، از خواب بیدار می‌شوید...

...در نهایت، از آن آگاه می‌شوید...

...در نهایت، یک حس درونی...

"شهود شما"

"روشنگری"

و ناگهان، خیلی چیزها برای شما روشن می‌شود

...ناگهان، خیلی چیزها برایتان منطقی می‌شود...

،خیلی چیزها که از سر گذرانده‌اید...

!تجربیات * شما* ...